

مرحوم شیخ انصاری در این باره که مراد از ضلال چیست می نویسد:

«و حينئذٍ فلا بدّ من تنقيح هذا العنوان و أنّ المراد بالضلال ما يكون باطلاً في نفسه؟ فالمراد الكتب المشتملة على المطالب الباطلة، أو أنّ المراد به مقابل الهداية؟ فيحتمل أن يراد بكتبه ما وضع لحصول الضلال، و أن يراد ما أوجب الضلال و إن كان مطالبها حقّة، كبعض كتب العرفاء و الحكماء المشتملة على ظواهر منكّرة يدعون أنّ المراد غير ظاهرها، فهذه أيضاً كتب ضلال على تقدير حقيتها»<sup>۱</sup>

### توضیح:

۱. سه احتمال درباره ضلال مطرح است.
۲. احتمال اول: کتاب ضلال یعنی آنچه مشتمل بر باطل است (هرچه غلط است)
۳. و ممکن است مراد از ضلال گمراهی است. که این خود دو احتمال را در بر دارد.
۴. احتمال دوم: آنچه برای حصول گمراهی (گمراه کردن) نوشته شده است
۵. احتمال سوم: آنچه موجب گمراهی می شود (اگر چه به این قصد نوشته نشده باشد.) (و اگر چه مطالب آن حق باشد.)
۶. مثال احتمال سوم کتاب های عرفا می باشد که ظاهرش خوب نیست ولی ایشان مدعی هستند که ظاهر آن را اراده نکرده اند.

### ما می گوئیم:

- \* ۱. برخی از بزرگان درباره احتمال سوم نوشته اند که «مراد آن کتاب هایی نیست که ممکن است برای یک نفر موجب گمراهی شود چرا که در این صورت قرآن هم می تواند موجب گمراهی یک نفر بشود»

«احتمل المصنّف - كما ترى - في معنى الضلال ثلاثة احتمالات، و لعلّ أظهرها هو الاحتمال الثالث و لكن لا بمعنى إيجابه الضلال و لو لفرد ما أحيانا، لجهله و سذاجته و إلّا لزم كون جميع الكتب حتى مثل القرآن الكريم و كتب الحديث كتب ضلال، بل بمعنى إيجابه الضلال لكثير ممّن يراجعه من المتوسّطين خالي الذهن، لاشتماله على مطالب باطلة مشابهة للحقّ من دون نفع في وجوده.»<sup>۲</sup>

۱. کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری)، ج ۱، ص ۲۳۵

۲. دراسات فی المکاسب المحرّمة، ج ۳، ص ۹۹



\*۲. مرحوم شیرازی در حاشیه بر مطلب شیخ نوشته است:

«المنصرف من الضلال هو الضلال عن الدين بالإنكار أو الشكّ في أحد المعارف الخمس و ما يتبعها و يحتمل ان يراد به في المقام الأعمّ من ذلك و ممّا يوجب الفسق و الاقدام على المعاصي كالكتب المصنّفة في علم السحر و الشعبة و الكهانة و نحوها و يدلّ عليه عموم بعض الأدلّة الاتية»<sup>۱</sup>

\*۳. مرحوم خوبی نیز در این باره می نویسد:

«ثم ان المراد بكتب الضلال كل ما وضع لغرض الاضلال و اغواء الناس، و أوجب الضلالة و الغواية في الاعتقادات أو الفروع، فيشمل كتب الفحش و الهجو و السخرية، و كتب القصص و الحكايات، و الجرائد المشتملة على الضلالة، و بعض كتب الحكمة و العرفان، و السحر و الكهانة، و نحوها مما يوجب الاضلال»<sup>۲</sup>

### ما می گوئیم:

۱. ظاهر عبارت مرحوم خوبی آن است که ایشان احتمال چهارمی مطرح کرده اند. ایشان می گویند که مراد از كتب ضلال آن کتاب هایی است که دو شرط داشته باشد: «هم به قصد اضلال نوشته شده باشند و هم موجب ضلال شوند» الا اینکه بگوئیم به قرینه اینکه کتاب های حکمت را برای کتاب ضلال مثال آورده اند و روشن است که این کتاب ها «به قصد ضلال» نوشته نشده اند، مراد ایشان همان احتمال سوم است و یا مرادشان آن است که حرمت در دو صورت موجود است یکی آنکه به قصد ضلال نوشته شده باشد و دیگری آنکه این نتیجه را داشته باشد.

۲. در تقریر دیگری که از درس های ایشان در دست است اما به صراحت نوشته شده است که مراد ایشان آن است که «ان المحرم حفظ كتب التی یترتب علیها الاضلال خارجاً اما مجرد کونها كتب ضلال بمعنی کون داعی المؤلف الاضلال فلا یوجب الحرمة»<sup>۳</sup>

۱. حاشیة المكاسب (للمیرزا شیرازی)، ج ۱، ص ۷۱

۲. مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۴۰۲

۳. محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۱، ص ۲۵۷



بنابراین تقریرات، برخی از آنچه به قصد ضلال نوشته شده است چون بسیار ضعیف است، موجب هدایت می شود. نویسندگان کتاب های ادیان سابق و بهائیت را مثال می زند و می گوید کسی که آنها را بخواند یقین می کند که اسلام دین حق است.



درس خارج فقه ائمه سید حسن خمینی